

صحيفة الحسن عليه السلام

[303] خداست و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام پیشوای مسلمانان است، که هرگز به جاهلیت بازنگشت، و عموهایم یکی حمزه سید الشهداء و دیگری جعفر طیار است، و من و برادرم هر دو پیشوای جوانان اهل بهشتیم. آنگاه امام رو به ابن عباس کرد و فرمود: پسر عمویم اینان مرغهای ناتوانی هستند که می توان با بحث پرهایشان را در هم شکست. (5) مناظره آن حضرت با عبد ا[بن زبیر روایت شده: امام چند روزی از دمشق خارج شد، آنگاه به دمشق بازگشت، و نزد معاویه آمد، در مجلس معاویه عبد ا[بن زبیر حضور داشت، هنگامی که معاویه امام را دید از او استقبال کرد و بعد از آنکه مجلس آماده شد به امام گفت: ای ابا محمد گمان می کنم خسته اید به منزل رفته و استراحت کنید. امام از نزد او خارج شد، و معاویه رو به عبد ا[بن زبیر کرد و گفت: بهتر است که بر حسن فخر بورزی، چرا که تو پسر یکی از نزدیکان پیامبر و پسر عموی او می باشی، و پدرت در اسلام کارهای بسیاری انجام داده
